

# جهان ایرانی و ایران جهانی

تحلیل رویکرد جهانگرایانه در رفتار، فرهنگ، تاریخ ایرانیان

محسن ثلاثی

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)



## فهرست

پیشگفتار ..... ۱

### ۱. تحرک جغرافیایی گسترده و پویای اقوام ایرانی ۳۶

تحرک ایرانیان در دوران پیش از اسلام ..... ۳۷

تحرک اقوام ایرانی در دوران پس از اسلام ..... ۵۲

نقش اقوام ترک آسیای میانه در تحول فرهنگی و تحرکهای جمعیتی ایران ..... ۵۹

جابه‌جایی کانونهای سیاسی - فرهنگی در سراسر دوران تاریخ ایران ..... ۸۳

حوزه فرهنگی ایران بر سر راه امپراطوریهای بزرگ ..... ۸۷

### ۲. ایران، شاهراه جهان ۱۱۰

موقعیت ارتباطی ایران در دوران باستان ..... ۱۱۱

راههای ارتباطی در دوران پس از اسلام ..... ۱۲۳

سازمانهای راهداری دولتی و غیردولتی ..... ۱۲۹

### ۳. ایران کانون اشاعه عناصر فرهنگ جهانی ۱۳۵

پیشینه تولید و اشاعه عناصر فرهنگی در ایران باستان ..... ۱۳۶

تولید و اشاعه عناصر فرهنگی در دوران پس از اسلام ..... ۱۵۱

### ۴. نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقویت و تشدید

#### رویکرد جهانگرایی ۱۶۵

ویژگیهای جهانگرایانه حماسه ملی - مذهبی شاهنامه ..... ۱۷۱

پیامدهای فاجعه‌آمیز رسمی شدن دین زرتشت در عصر ساسانی ..... ۳۴۰

چگونگی تحول دین در فرهنگ ایرانی پس از اسلام ..... ۳۴۴

زمینه‌های پذیرش اسلام در ایران ..... ۳۴۸

نقش قشر دهقانان در اسلام آوردن ایرانیان ..... ۳۶۱

وجوه اشتراک دین زرتشت و اسلام ..... ۳۷۴

**۹. حاکمیت چند هزار ساله یک نظام سیاسی فرامرزی و فراقومی**

**در حوزه فرهنگی ایران ۳۹۱**

کارکردهای نظام شاهنشاهی در حوزه فرهنگی ایران ..... ۳۹۵

تداوم نظریه سیاسی پیش از اسلام در دوران پس از اسلام ..... ۴۱۱

واکنش‌های قهرآمیز توده‌های ایرانی در برابر نظام شاهنشاهی ..... ۴۱۹

عوامل تهدید و تحدیدکننده اقتدار شاهنشاهی ..... ۴۲۳

**۱۰. سیر تحول نظام سیاسی و اجتماعی در فرهنگ ایرانی ۴۲۵**

ساختار سیاسی فراقومی و فرامرزی شاهنشاهی هخامنشی ..... ۴۳۰

تداوم شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر ..... ۴۳۷

نظام قشربندی اجتماعی فراطبقاتی در فرهنگ ایرانی ..... ۴۴۳

فقدان نیروی کار برده در نظام تولیدی ایران باستان ..... ۴۵۲

پذیرش اصول نظام سیاسی شاهنشاهی در بیشتر نقاط جهان ..... ۴۵۸

تداوم نظام شاهنشاهی در دوران پس از اسلام ..... ۴۶۱

باز شدن هرچه بیشتر نظام قشربندی اجتماعی ایران در دوران فرمانروایی سلاطین ترک‌تبار ..... ۴۶۸

پی‌گفتار ..... ۴۷۶

فهرست منابع ..... ۴۷۸

منابع انگلیسی ..... ۴۸۴

فهرست اعلام ..... ۴۸۵

چیرگی فرمانروایان ترک‌تبار بر نظام سیاسی ایران و تأثیر آن بر تحول و شکلگیری سبک عراقی در شعر و ادب فارسی ..... ۱۸۰

تأثیر شعر فارسی بر ادبیات اروپا ..... ۱۸۸

**۵. فرهنگ ایرانی، فرهنگ مدارا ۲۰۰**

زمینه‌های عینی مدارا در فرهنگ ایرانی ..... ۲۰۱

زمینه‌های تاریخی مدارا در فرهنگ ایرانی ..... ۲۰۳

شاهنشاهی هخامنشی بنیانگذار فرهنگ مدارا در تاریخ جهان ..... ۲۰۶

رسمیت یافتن دین زرتشت در دوره ساسانی و نقد روایت‌های مبالغه‌آمیز آزار و کشتار مسیحیان در این دوره ..... ۲۱۹

تداوم فرهنگ مدارا در ایران پس از اسلام ..... ۲۲۹

مدارا در برابر اقوام به نسبت ابتدایی ترک ..... ۲۳۱

اقوام ایرانی بر سر دوراهی مقابله خشونت‌آمیز و یا مدارا با قوم مغول ..... ۲۳۲

**۶. فرهنگ ایرانی، آموزش‌پذیر فرهنگ‌های برتر و آموزش‌دهنده**

**فرهنگ‌های پستتر ۲۴۲**

تأثیرپذیری فرهنگ ایرانی از فرهنگ بین‌النهرین ..... ۲۴۶

فتح نظامی ایران به دست اعراب و پیروزی فرهنگی ایران بر آنها ..... ۲۵۴

شمشیرزنان ترک و قلم به دستان ایرانی ..... ۲۶۴

جذب و ادغام مغولان در فرهنگ ایرانی ..... ۲۶۷

**۷. زبان فارسی، گردونه و بازتابنده فرهنگ جهانگرای ایرانی ۲۷۴**

رواج زبانها و خطوط بیگانه در شاهنشاهی هخامنشی و اشکانی ..... ۲۷۸

بین‌المللی شدن زبان عربی به دست ایرانیان ..... ۲۸۳

جهانی شدن زبان فارسی در دوره فرمانروایی ترک‌تباران ..... ۲۸۸

**۸. حوزه فرهنگی ایران، بستر پیدایش و پرورش دینهای جهانی ۳۰۰**

دین جهانگرا و انتزاعی زرتشت ..... ۳۰۱

دین تلفیقی و جهانگرای مانی ..... ۳۳۰

رواج دین جهانی بودا در ایران ..... ۳۳۷

### تحرك ایرانیان در دوران پیش از اسلام

قوم ایرانی که شاخه‌ای از اقوام هندو ایرانی (آریایی) به شمار می‌آید، در اواخر نیمه دوم هزارهٔ دوم پیش از میلاد و اوایل هزارهٔ نخست پیش از میلاد از سرزمین اصلی شان در شمالیترین بخش آسیای میانه به تدریج به سرزمینهای گرمتر مهاجرت کرده و از شمال شرق و غرب دریای خزر وارد فلات ایران شدند. این مهاجرت داوطلبانه نبوده و مانند دیگر موجهای مهاجرت اقوام آسیای میانه، بر اثر فشار اقوام دیگر از مناطق شمالیتر و سردتر به نواحی جنوبیتر و گرمتر، تحقق یافته بود.<sup>۱</sup> آنها پیش از رسیدن به فلات ایران، در مناطق جنوبی آسیای میانه با زندگی یکجانشینی و تمدن شهری آشنا شده بودند.<sup>۲</sup> «آریاییها که سرمای شدید آنها را از سرزمین اصلی شان بنبه کن کرد، به سغدیان (بخارا و سمرقند) و مرغیان (مرو) وارد شدند و از آنجا به خاطر هجوم ملخها و قبایل دشمن به مناطق جنوبیتر، یعنی بلخ و سپس خراسان رسیدند و از آنجا در ایران پراکنده شدند».<sup>۳</sup>

برخی از پژوهشگران تاریخ باستان، مانند لوکماناتیلک حتی از این هم پافراتر گذاشته و سرزمین اصلی هندو ایرانیان (آریاییها) را منطقهٔ پوشیده از برف قطب شمال می‌دانند و به آن نام «گهوارهٔ نژاد بشر» داده‌اند.<sup>۴</sup> از وندیداد نیز چنین برمی‌آید که نخستین سرزمین قوم ایرانی (ایران‌ویج) می‌بایست یک منطقهٔ بسیار سرد و قطبی بوده باشد: «در آنجا ده ماه

— ۱ —

### تحرك جغرافیایی گسترده و پویای اقوام ایرانی

این وطن مصر و عراق و شام نیست  
این وطن جایی است که نام نیست  
مولوی

یکی از ویژگیهای نمایان اقوام ایرانی، تحرك شدید جغرافیایی آنها است. آنها در هیچ دوره‌ای از تاریخ چند هزار سالهٔ شان هرگز در منطقه‌ای با مرزهای مشخص جغرافیایی ساکن و ثابت نبوده، بلکه در یک پهنهٔ وسیع جغرافیایی و در واقع در سراسر جهان متمدن آن زمان پیوسته در تحرك بوده‌اند و همین تحرك، پویایی و سرزندگی ویژه‌ای به آنها بخشیده و نگذاشته است که رابطه و تعلق عاطفی خاصی به یک منطقهٔ اقلیمی خاص پیداکنند و سرزمین خاصی را به عنوان زیستبوم اصلی و پایدارشان برگزینند و در نتیجه، خود را وابسته به آن بدانند و پاسداری از مرزهای آن را آرمان و وظیفهٔ بنیادی شان قرار دهند. سرزمین اقوام ایرانی در تاریخ از جنوب سیبری تا بین‌النهرین و آسیای صغیر تا هند و مرزهای چین کشیده می‌شد و از همان سپیده‌دم تاریخ تا پیش از سدهٔ هجدهم، اقوام ایرانی در سراسر این پهنهٔ گسترده پراکنده شده و همهٔ این مناطق و در واقع بیشتر جهان واقع در مدار تمدن را سرزمین خود می‌دانستند.

۱. رمان گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۹.

۲. مری بویس، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمهٔ همایون صنعتی‌زاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۹.

3. Huart, Clément, *Ancient Persia and Iranian Civilization*, Routledge & Kegan Paul, London, 1972, p. 26.

4. F. C. Davar, *Iran and its Culture*, Bombay, 1953, p. 115.

زمستان است و دو ماه تابستان، اینان سردند برای آبها، سردند برای زمین، سردند برای درختان. چون زمستان درگذرد، آنگاه بیشترین تنگی (قحطی) است.» (بند سوم از فرگرد نخست کتاب وندیداد).<sup>۱</sup>

آن بخش از جمعیت آریایی که به فلات ایران مهاجرت کردند، برخلاف بخش دیگر آن، یعنی سکاها که در دوران باستان مایه وحشت و غارت و ویرانی سرزمینهای متمدنتر و یکجانشینتر مناطق جنوبیتر و غربیتر بودند<sup>۲</sup> و به فرهنگ شبانی و چادرنشینی و جنگهای غارتگرانه وابسته مانده بودند، به ویژه پس از برخورد با فرهنگهای نیمه کشاورز و یکجانشینتر فلات ایران، زندگی تمدنی و یکجانشینتر را پذیرفتند و راه همکاری و همدلی و دادوستد فرهنگی با اقوام بومی و غیرآریایی را در پیش گرفتند و سرنوشتی جدا از سرنوشت سکاها و نیمه وحشی و بیابانگرد و غارتگر را برای خود رقم زدند.

ورود آریاییها به فلات ایران، با طایفه مادها آغاز شد. آنها نخستین بار در ری و اکباتان (همدان) پدیدار شدند و با تمدن عیلام در خوزستان و دشتهای واقع در جنوب شرق بین‌النهرین ارتباط برقرار کردند. جمعیت اصلی مادها از همان آغاز با مردم بومی ترکیب شده و به جای سرکوب اقوام بومی آنها را در خود جذب کردند.<sup>۳</sup> آریاییها در فلات ایران با مردمی روبرو شدند که مانند عیلامیان از تمدن شهرنشینی و کشاورزی مبتنی بر تأسیسات پیشرفته آبیاری برخوردار بودند و در این زمینه حتی پیشینه‌ای چند هزار ساله داشتند.<sup>۴</sup> تمدن و زندگی یکجانشینی در فلات ایران پیش

۱. میری بویس، تاریخ کیش زرتشت، همایون صنعتی‌زاده، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۰۰؛ مهرداد بهار، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲، ص هجده.
۲. آیرین فرانک و دیوید براونستون، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸۳-۸۲.
۳. دیاکونوف، تاریخ ماد، کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۲۵۳۷، ص ۴۴-۱۴۳.
۴. ویل دورانت، مشرق‌زمین گهواره تمدن، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران،

از ورود آریاییان تا هزاره هشتم پیش از میلاد پیشینه دارد و از همین تاریخ دیرین اقتصاد زراعتی و دامداری در آن رواج داشت و نشانه‌های زندگی یکجانشینی همراه با اهلی کردن گیاهان، حبوبات، و جانورانی چون خوک و احشام دیگر به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> کشفیات باستانشناختی در شهر سوخته زابل نیز گواه بر این است که در این نقطه از فلات ایران، حدود ۴۰۰۰ سال پیش شهری با وسعت چندین هکتار وجود داشت که از تأسیسات آبرسانی با لوله‌های سفالی و تقسیم کار و گروههای شغلی جداگانه برخوردار بود.<sup>۲</sup> حتی برخی از پژوهشگران مانند آرتور پوپ بر پایه داده‌های باستانشناختی به این نتیجه رسیده‌اند که «کشاورزی و شاید صنعتی‌هایی که به آن وابسته‌اند، یعنی کوزه‌گری و بافندگی، در فلات ایران آغاز شده است. از جنبه‌های گوناگون اساسی، تمدن در این ناحیه ۵۰۰ سال پیش از مصر، ۱۰۰۰ سال پیش از هند و ۲۰۰۰ سال پیش از چین آغاز شد.»<sup>۳</sup> بسیاری از نقاطی مانند لرستان که اکنون جایگاه و خط سیر قبایل کوچرو است، «در دو هزار سال پیش از میلاد سکونتگاه مردمی یکجانشین بود و در بسیاری از نقاط ایران، از جمله مناطق نیمه‌بیابانی، یکجانشینی بسیار گسترده‌تر از زمان کنونی بود.»<sup>۴</sup> از متنهای میخی چنین برمی‌آید که بر اثر رشد زندگی یکجانشینی و اقتصاد مبتنی بر دامداری و کشاورزی در قلمروهای باختری ایران، دولت‌شهرهایی پدید آمده بودند که از یک منطقه کشاورزی و مرکز شکل‌گرفته بودند که از حد وابستگیهای قبیله‌ای فراتر رفته و نوعی هویت کشوری و فراقبیله‌ای را از خود نشان می‌دادند.<sup>۵</sup>

۱. تاریخ ایران کمبریج، جلد ۳، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۵.
۲. روزنامه همشهری، ۱۱ اسفند ۱۳۷۷.
3. Taghy Nasr, *Eternity of Iran*, Ministry of Culture and Arts, Tehran, 1974. p. 32.
4. *Cambridge History of Iran*, p. 410.
۵. تاریخ کمبریج، جلد ۳، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۹-۴۸.